

# تغییرات وضعیت اشتغال به کدام سمت و سو می رود؟

# کار در آینده معنی متفاوتی خواهد داشت

گزارش

حمیدرضا علی نیا

روزنامه نگار

بسیاری از مابیکاری را به سادگی نداشتن شغل تعریف می کنیم اما آیا این تعریف می تواند تمامی ابعاد مسئله را پوشش دهد؟ در نگاه عمیق تر، بیکاری شامل پیچیدگی ها و تناقضاتی است که در آمارها و روش های تحلیل نمایان نمی شود. از اختلافات در تعریف نیروی کار گرفته تا نقش تحولاتی چون دیجیتالی شدن و اتوماسیون، تصویر بیکاری دیگر محدود به عدد نیست و نمی توان آن را به آمار تقلیل داد. شوک اقتصادی ناشی از همه گیری کرونا نیز این تحولات را سرعت بخشید و بسیاری از روندهای کاری را متحول کرد. تغییراتی مانند افزایش کار از راه دور و جایگزینی نیروی انسانی با فناوری های نوین، چشم انداز جدیدی از بازار کار را ترسیم کرده است. در سایه تحولات اخیر مفاهیم «اشتغال» و «بیکاری» علاوه بر پیامدهای اقتصادی، اثراتی عمیق بر بافت اجتماع و سیاست گذاری ها دارد. از کاهش درآمدهای مالیاتی گرفته تا افزایش فشار بر سیستم های حمایتی، پدیده بیکاری چالشی است که ابعاد آن فراتر از آن چیزی است که در آمارهای رسمی منعکس می شود. این متن با بررسی ابعاد مختلف این مفاهیم، نگاهی به تحولاتی دارد که بازار کار جهانی را درگروگن کرده و همچنان به تعریف ما از شغل و بیکاری شکل می دهد.

معنای بیکار بودن چیست؟ این سؤالی است که پاسخ به آن حداقل به صورت سطحی آسان به نظر می رسد. شاید بتوان گفت ناتوانی در پرداخت هزینه اجاره بها، تحصیل یا مراجعه به پزشک، تأمین مخارج زندگی خود و خانواده از معانی بیکار بودن است. همه ما می دانیم که بیکاری پیامدهای منفی زیادی دارد. با این حال، تبدیل وضعیت هر فرد به داده ها و تبدیل آن داده ها به سیاست هایی که می تواند وضعیت میلیون ها فرد بیکار را بهبود بخشد، کار بسیار دشواری است. کارشناسان در این باره توافق دارند که نرخ بیکاری نشان دهنده درصد نیروی کار بدون شغل است و بیکاری بالا می تواند رشد و انسجام اجتماعی را تهدید کند. آن ها اغلب در مورد بهترین روش برای تعیین کمیت بیکاری دچار اختلاف نظر هستند؛ زیرا روش های متعددی برای ارزیابی تفاوت های ظرفیت بازار کار وجود دارد.

نرخ رسمی بیکاری با تقسیم تعداد افراد بدون شغل بر مجموع نیروی کار تعیین می شود. مسئله از آنجایی شروع می شود که دقیقاً بدانیم چه کسی بخشی از نیروی کار است و چه کسی نیست. خود افراد مورد نظر اغلب نمی توانند بگویند که آیا باید خود را شاغل بدانند یا بیکار.

به عنوان مثال، شخصی را در نظر بگیرید که یک شغل تمام وقت با پرداخت مناسب را از دست می دهد و به یک موقعیت شغلی پاره وقت وارد می شود؛ شغلی که در آن تنها بخشی از حقوق قبلی خود را دریافت می کند. در این وضعیت حتی اگر شخص به دنبال کار پاره وقت یا کار آزاد (freelance) اضافی برای تکمیل درآمد خود باشد، همچنان به طور پیش فرض به عنوان شاغل طبقه بندی خواهد شد. فرد دیگری را تصور کنید که فعلاً نه دنبال کار است اما چند هفته از کارایی کناره می گیرد، این شخص اصلاً به عنوان بخشی از نیروی کار محاسبه نمی شود. فردی هم که مایل به کار است اما به دلیل ناتوانی یا شرایط پزشکی نمی تواند شغلی پیدا کند، بخشی از نیروی کار محاسبه نمی شود. به عبارت دیگر در یک شغل موقت که تنها بخشی از درآمد پایه را می پردازد شما شاغل محسوب می شوید (بزرگ شدن تعداد نیروی کار) ولی اگر صرفاً برای مدتی کوتاهی دست از جست و جوی شغل بکشید و یا به دلیل ناتوانی نتوانید شغلی پیدا کنید از جمعیت بیکار کنار گذاشته می شوید. حال دوباره نرخ رسمی بیکاری جهانی را در نظر بگیرید (تقسیم تعداد افراد بدون شغل بر مجموع نیروی کار)، تعداد افراد بدون شغل با چنین تعاریفی کم می شود و تعداد شاغلان بیشتر و در نتیجه عدد نرخ رسمی بیکاری کوچک تر خواهد شد. وجود اختلافات در چنین تعاریفی در نهایت به اینجا می انجامد که بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که آمارهای جهانی بازار کار ذاتاً منحرف است و تصویر بسیار نادرستی از نیروی کار ترسیم می کند.

### آمار اشتغال و پیچیدگی نیروی کار

ردیابی وضعیت بازار کار زمانی پیچیده تر می شود که ابزارهای ردیابی مختلف داستان های متفاوت و گاهی متناقض را بیان می کنند. چه از طریق روش های سرشماری، سوابق دفتر کار، بررسی نمونه ای از جمعیت یا تکنیک های تلفیقی، این مجموعه داده ها تنها بازتابی تقریبی از سلامت اقتصادی و اجتماعی یک کشور ارائه می دهند. به رغم این محدودیت ها، نرخ بیکاری یک کشور معیاری مهم برای سلامت، سطح توسعه و مسیر رشد اقتصادی است. افزایش بیکاری منجر به از دست دادن درآمد برای افراد و کاهش درآمد مالیاتی می شود که دولت ها را مجبور می کند مبالغ بیشتری را برای مستمری بیکاری و یارانه های اجتماعی هزینه کنند. بیکاری طولانی مدت همچنین می تواند بافت اجتماعی یک کشور را تضعیف کند، منجر به سرخوردگی و رد دستورات

سیاسی از طرف مردم شود، مهاجرت های فرامرزی را تحریک کند یا وضعیت ثبات اقتصاد-اجتماعی را تهدید کند و خروج شرکای تجاری جهانی را در پی داشته باشد.

مسئله دیگری که مطرح شده این است که با در نظر گرفتن احتیاط های فراوان در مورد نارسایی روش های ردیابی نیروی کار، وضعیت نیروی کار جهانی چهار سال پس از همه گیری در سال ۲۰۲۰ چگونه است؟ سازمان بین المللی کار (ILO) با فرض ۴۸ ساعت کار در هفته، تخمین زده که هم نرخ بیکاری و هم شکاف شغلی به زیر سطح قبل از همه گیری کاهش یافته است. در سال ۲۰۲۳، نرخ بیکاری جهانی ۵٫۱ درصد بود که ۰٫۲ درصد نسبت به سال ۲۰۲۲ بهبود یافته است. شکاف جهانی اشتغال، یعنی تعداد افرادی که خواهان شغل هستند، صرف نظر از اینکه در حال حاضر در دسترس باشند یا در حال جست و جوی شغل، از نزدیک به ۵۰۰ میلیون در سال ۲۰۲۰، به ۴۷۶ میلیون در سال ۲۰۲۱ و به بیش از ۴۴۰ میلیون در سال ۲۰۲۳ رسیده است. این شکاف در سال ۲۰۲۳ کمتر شده و به ۴۳۵ میلیون نفر کاهش یافته است. با این حال، پیشرفت در کم کردن شکاف شغلی ناهموار است. نرخ مشارکت نیروی کار در کشورهای با درآمد بالا (۰٫۳ درصد) و کشورهای با درآمد متوسط پایین (۱٫۵ درصد) افزایش یافته اما در کشورهای کم درآمد و با درآمد متوسط بالا نرخ مشارکت نیروی کار به میزان ۰٫۱ و ۰٫۳ درصد کاهش یافته است. حتی در کشورهای ثروتمند (G20)، نرخ تورم بالا و افزایش هزینه مسکن به طور قابل توجهی باعث کاهش بیشتر دستمزدهای اسمی اخیر شده است.

علاوه بر این، انتظار می رود نرخ کار غیررسمی در سال ۲۰۲۴ ثابت بماند و این نرخ تقریباً ۵۸ درصد از نیروی کار جهانی را تشکیل می دهد. در حالی که نرخ بیکاری جوانان ۳٫۵ برابر بیشتر از بزرگسالان است و نرخ مشارکت جهانی زنان در نیروی کار ۲۵ درصد کمتر از مردان است.



### تغییرات دنیای اشتغال

درحالی که چنین اعداد گسترده ای به ما نشان می دهند مشاغل امروزی چه وضعیتی دارند، اغلب درباره ماهیت این مشاغل و اینکه در نهایت به کدام سمت خواهند رفت اشاره ای ندارند. تنها در یک بازه زمانی چندماهه، ویروس کرونا با سرعت سرسام آوری تحولاتی را که قبلاً، هر چند به تدریج، تبدیل به جریان اصلی شده بودند، شتاب بخشید؛ تحولاتی مانند افزایش کار از راه دور، دیجیتالی شدن بسیاری از فرایندها و جایگزینی کارکنان تمام وقت با کارگران غیرمجاز که از همیشه بیشتر شده بودند. تغییرات آشکار و قابل رؤیت بازار اشتغال هم متأثر از این بیماری بود. بیماری همه گیر همچنین توانست این نگرانی را ایجاد کند که خودکارسازی (اتوماسیون) جایگزین کل دسته های شغلی شود. ربات ها می توانند قطعات خودرو را جمع آوری کنند، کف ساختمان ها را تمیز کنند، سبزیجات را بچینند، بشویند و حتی بسته بندی کنند.



پیش از همه گیری در یک گزارش، مؤسسه جهانی مک کینزی (McKinsey Global Institute) بیش از ۲۰۰۰ فعالیت کاری را با تمرکز بر ۴۶ کشور که حدود ۸۰ درصد نیروی کار جهانی را تشکیل می دهند مورد مطالعه قرار داد و خودکارسازی امکان سنجی فنی هر یک از این کشورها را به صورت کمی ارزیابی کرد. مک کینزی نتیجه گرفت که نسبت مشاغلی که می توانند با استفاده از فناوری قابل دسترس و قابل اجرا کاملاً خودکار شوند، در واقع بسیار کوچک است. این مؤسسه قابلیت خودکارسازی کامل را کمتر از پنج درصد ارزیابی می کند. با این حال، در گزارش مک کینزی اشاره شده که اتوماسیون جزئی، تقریباً بر همه مشاغل به میزان کم یا زیاد تأثیر می گذارد، به طوری که حدود ۶۰ درصد از مشاغل به میزان حداقل ۳۰ درصد از فعالیت هایی را دارند که می تواند توسط ماشین ها انجام شود. در یک نظرسنجی که بعدتر از مدیران شرکتی پس از شروع همه گیری انجام شد، مک کینزی تأیید کرد که پذیرش خودکارسازی از هر ۱۰ مورد بررسی شده، تقریباً در هفت کسب و کار به میزان متوسط یا به طور قابل توجهی شتاب گرفته است.

اکنون این ایده که مشاغل یقه آبی به احتمال زیاد با اتوماسیون حذف می شوند (ایده ای که مخصوص دوره پیش از کرونا بود) به شکل خاصی پس از همه گیری کرونا فاقد ارزش شده است. ایلان ماسک، مدیرعامل تسلا وعده داده که دنیای خودروهای خودران، تاکسی ها و کامیون های خودران دور از دسترس نیست.

### جایگزینی کارمندان یقه سفید

هرچند با پشت سر گذاشتن همه گیری، به وضوح بسیاری از فرضیات و آرزوها درباره خودکارسازی در بهترین حالت هنوز ناقص هستند، با گسترش کووید-۱۹ و اعمال قرنطینه توسط



دولت ها، شرکت ها در مسیر خودکارسازی و دیجیتالی کردن عملیات خود با سرعت شتابانی حرکت کردند؛ سرعتی که برخلاف تصورات پیش از کرونا عمدتاً بر مشاغل یقه سفید تأثیر گذاشت. کسب و کارهای فنی و لجستیکی برای رسیدگی به تقاضای خدمات و محصولاتشان به دنبال کسانی رفتند که از راه دور کار می کنند. با گذشت چهار سال از زمانی که کرونا زنجیره های تأمین جهانی را به لرزه انداخت، بسیاری از شرکت ها (از جمله تسلا) مسیر خود را با اخراج کارکنان و یا توقف استخدام به شکل سنتی تغییر داده اند.

در حالی که پیشرفت ها در اتوماسیون و رباتیک با هدف انجام وظایفی صورت گرفت که در غیر این صورت به صورت دستی انجام می شد، شاید از این پیشرفت هم قابل توجه تر، تغییراتی است که در فناوری هوش مصنوعی رخ داده است. به این پیشرفت ها در هوش مصنوعی نمی توان صفتی به جز خارق العاده داد. چنین پیشرفتی در نهایت می تواند منجر به

## جهان

## ۱۱



atiyeno.ir

خبر

## بدهی ۱۴۰۰ میلیارد دلاری کشورهای در حال توسعه

بانک جهانی اعلام کرد که میزان بدهی خارجی کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۲۳ به رکورد بی سابقه ۱٫۴ هزار میلیارد دلار رسیده است. بر اساس آخرین گزارش بدهی بین المللی بانک جهانی، پرداخت های بهره فقط توسط کشورهای کم درآمد به رکورد ۳۴٫۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ رسیده که در دهه گذشته چهار برابر شده است. با احتساب اصل بدهی، این ۷۸ کشور که از فقیرترین کشورهای جهان هستند، سالانه ۹۶٫۲ میلیارد دلار برای تأمین مجموع ۱٫۱ هزار میلیارد دلار بدهی خود را پرداخت می کنند. این کشورها که واجد شرایط وام گرفتن از انجمن توسعه بین المللی بانک جهانی بوده اند، در سال ۲۰۲۳ رکورد ۹۶٫۲ میلیارد دلار بهره پرداخت کرده اند، حتی با وجود اینکه بازپرداخت اصل بدهی نزدیک به هشت درصد کاهش یافت و به ۶۱٫۶ میلیارد دلار رسید، هزینه بهره آن ها در سال ۲۰۲۳ به بالاترین رقم تاریخ یعنی چهار برابر مقدار یک دهه قبل، برابر ۳۴٫۶ میلیارد دلار رسید. به گفته ایندیمیت گیل، اقتصاددان ارشد بانک جهانی، نکته نگران کننده تر این است که وام دهندگان خصوصی تقریباً ۱۳ میلیارد دلار بیشتر از پرداخت های مالی جدید از این کشورها در دو سال گذشته دریافت کرده اند. در فشار، سرمایه ها را از سرمایه گذاری های ضروری در داخل، در حوزه هایی از سلامت عمومی گرفته تا تغییرات آب و هوایی منحرف می کند.

آخرین هشدار بانک جهانی، دوره ای از فشار فزاینده بر امور مالی کشورهای فقیر پس از آغاز کرونا را پوشش می دهد که هزینه های بالاتر و سپس افزایش نرخ بهره در سراسر جهان، هزینه های بدهی را به شدت افزایش داد. کشورهای از جمله سریلانکا و زامبیا از زمان همه گیری نکل بدهی کرده اند. کشورهای دیگر مانند پاکستان و کنیا در لبه پرتگاه قرار گرفتند و تلاش های بین المللی برای توافق بر سر راه حلی گسترده تر، مانند راهی از وام های خصوصی نیز همچنان با مشکل مواجه است.

گیل به بلومبرگ می گوید: «فقیرترین کشورهایی که با مشکل بدهی مواجه هستند، اگر می خواهند دفی برای رفاه پایدار داشته باشند، نیاز به کاهش بدهی دارند. وام دهندگان خصوصی که به کشورهای فقیر وام های پرمخاطره و با بهره بالا می دهند، باید سهم عادلانه ای از هزینه ها را در صورت نکل بدهی، متقبل شوند.»

برای همه کشورهای در حال توسعه، از جمله اقتصادهای غلیظ و باثبات مانند چین و هند، کل پرداخت بدهی در سال گذشته به ۱٫۴ هزار میلیارد دلار، شامل بهره ۴۰۶ میلیارد دلاری رسیده است. گیل نوشت که این نشان دهنده یک سیستم تأمین مالی ناکارآمد است و این ایده که یک دهه پیش مبنی بر سرازیر شدن سرمایه خصوصی به کشورها برای توسعه سریع مطرح شد، یک فانتزی محض است.

حکم گیل در حالی صادر می شود که رئیس بانک جهانی، آچی بانگا انگیزه سرمایه گذاری بیشتر بخش خصوصی برای توسعه در کنار وام دهندگان چندجانبه را یکی از اولویت های اصلی خود قرار داده است. این بانک همچنین با همکاری صندوق بین المللی پول، در تاش است کشورهایی را که دچار مشکل بدهی هستند به سمت سیاست هایی هدایت کند که باعث تقویت مالی و کاهش هزینه های استقراض آن ها شود.

بسیاری از کشورها در سال های قبل از شیوع کرونا، زمانی که نرخ های بهره پایین بود، دچار انباشتگی وام های سنگین، به ویژه از سوی چین و وام دهندگان خصوصی دیگر شدند. مشکلات زمانی تشدید شد که همه گیری، دولت ها را به سمت هزینه های اضطراری سوق داد و سپس نرخ های بهره برای مبارزه با تورم پس از کووید افزایش یافت. عواقب این روند همچنان ادامه دارد. گزارشی از سوی شرکت رتبه بندی اعتباری S&P Global در ماه اکتبر پیش بینی کرد که در ۱۰ سال آینده، دولت ها نسبت به گذشته بیشتر از همیشه در بازپرداخت بدهی های ارز خارجی خود نکل (عدم توانایی در بازپرداخت) خواهند کرد.

فرار سرمایه خصوصی از بازارهای نوظهور در سال جاری ادامه یافته است. بر اساس داده های بانک آمریکا، سرمایه گذاری که از ارزهای سخت مانند دلار یا یورو استفاده می کنند، پس از برداشت تقریباً ۲۳ میلیارد دلاری در سال گذشته، تقریباً ۱۳٫۶ میلیارد دلار از صندوق های بدهی بازارهای نوظهور در سال ۲۰۲۴ برداشت کرده اند.

بزرگ ترین خطرات متوجه ۷۸ کشور فقیری است که بانک جهانی آن ها را به عنوان کشورهای واجد شرایط برای دریافت کمک های مالی و کم بهره یا بدون بهره از صندوق انجمن توسعه بین المللی معرفی می کند. گیل بر این باور است که بسیاری از این کشورها، با بحران پرداخت بدهی متناشؤنشده ای مواجه هستند که همچنان به اشتباه به عنوان یک مشکل نقدینگی تشخیص داده می شود.